باسمه تعالی

تکلیف‌گرایی

۱) تعریف تکلیف‌گرایی

انجام تکلیف گاهی از سر ترس و گاهی از سر سنجش عقلانی و گاهی از سر شوق است. اولی، تکلیف گریزی، دومی، تکلیف‌پذیری و سومی، تکلیف‌گرایی است.

۱/۱ـ تکلیف گریزی

تکلیف گریزی آن است که فرد، تکالیف و وظایف خود را از سَر ترس انجام می‌دهد و به دنبال بهانه‌ای برای ترک و فرار از انجام آن می‌باشد. (چون دنبال بهانه برای انجام ندادن است نام آن تکلیف‌گریزی است)

۱/۲ـ تکلیف‌پذیری

تکلیف‌پذیری آن است که دستورات الهی، مبنای عمل قرار گیرد و فرد ابتدا روحیه شناخت تکلیف را در خود ایجاد نماید و به دنبال شناخت تکلیف باشد و پس از شناخت آن هیچ ملاحظه‌ای مانع او از عمل به تکلیف نشود.

۱/۳ـ تکلیف‌گرایی

تکلیف‌گرایی آن است که فرد انجام تکالیف و وظایف را تنها راه وصول به محبوب بداند و کتاب آسمانی و دستورات آن را جز دعوت نامه محبوب و معشوق نبیند. از این رو با شوق و اشتیاق در راه آرمان و ادای تکلیف از مال و جان خود بگذرد.

تکلیف‌گرایی عبارت است از: شناخت دستورهای الهی در مرحله‌ی نخست، عمل کردن به آن‌ها در مرحله‌ی دوم، و پذیرش سختی تکلیف‌ها، با شوق و رغبت، برای رسیدن به تعالی انسانی در مرحله‌ی سوم.

۲) اصطلاحات و واژه‌های قرآنی

در قرآن‌کریم اصطلاحات و تعبیرهایی وجود دارد که روحیه‌ی تکلیف‌گرایی را می‌توان از آن‌ها برداشت کرد، نظیر:

۲/۱ـ تقوا

تقوا به معنای ملکه و روحیه‌ای است که انسان را به فرمان‌برداری مطلق از خدا و رعایت ضوابط و دستورهای دینی مدیریت و هدایت می‌کند.

وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ـ و ما به کسانی‌که پیش از شما به آن‌ها کتاب آسمانی داده شده بود و نیز به شما سفارش کردیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید».(نسا/۱۳۱).

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی خطاب به پاسداران می‌فرماید:

«باید توجه کنید آن چیزی که شما را از یک ارتش مجهز مدرن مجربِ از همه جهت کامل، لیکن بی‌ایمان، ممتاز می‌کند ایمان و تعبد است؛ یعنی اعتقاد به غیب و تأثیر فعل و انفعالات غیبی که در اختیار من و شما نیست و راه رسیدن به آن و کلید رمزش عبارت از تقواست؛ یعنی عمل کردن به تکلیف شرعی».(۶۹/۶/۲۹)

۲/۲ـ اطاعت از خدا

یکی دیگر از واژه‌های قرآنی که کاربرد فراوانی دارد، و دعوت به تکلیف‌گرایی می‌کند، واژه اطاعت و مشتقات آن است. در آیات فراوانی از قرآن از مؤمنین فرمان‌برداری و اطاعت خدا و رسولش خواسته شده، و ثمره‌ی آن را فوز عظیم و رستگاری اخروی قرار داده است:

«**وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيماً** ـ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است».(احزاب/۷۱)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نامه به حارث همدانی می‌فرماید:

«در همه‌ی کارهایت خدا را اطاعت کن، که اطاعت خدا از همه چیز برتر است».(نهج‌البلاغه؛ نامه ۶۹)

۲/۳ـ امانت الهی

«**إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً** ـ ما امانت (تعهّد، تکلیف، و ولایت الهیّه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند امّا انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)!» (احزاب/۷۲)

از مصادیق آن امانت بزرگ که همه از تحمل آن سر باز زدند و تنها انسان آن را پذیرفت، تکلیف و مسئولیت است.

«هر موجود از موجودات به هر نقطه که برسد و هر کمالی راکه طی کند بدون اراده و اختیار طی می‌کند، نمی‌تواند به میل خود و اراده خود راه خود را عوض کند و تغییر دهد و تنها انسان در هر لحظه‌ای قادر است به سوی هر هدفی که اراده کند حرکت خود را تغییر دهد. انسان بسیاری از کمالات و ترقیات خود را در پرتو تکلیف و قانون و مسئولیت قانونی طی می‌کند. برای انسان بسی افتخار است که می‌تواند حقی را به عهده بگیرد و وظیفه‌ای را گردن نهد».[۱]

۳) تکلیف‌گرایی تجلی هدفمندی

برخی با تفسیر غلط از تکلیف‌گرایی، آن را در مقابل هدف‌داری و حرکت جهت‌دار برای رسیدن به مقاصد و آرمان‌ها قرار می‌دهند و تکلیف‌گرایی و عمل به وظیفه را مسلتزم بی‌اعتنایی به نتیجه معرفی می‌کنند؛ درحالی‌که، این تفسیر و تعریف با حقیقت تکلیف‌گرایی اسلامی فاصله‌ی فراوانی دارد، زیرا تکلیف‌گرایی برای رسیدن به بزرگ‌ترین هدف و نتیجه، یعنی قرب خدا و سعادت ابدی، است.

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌فرماید:

«ما هدف‌مان [این] است که تکلیف‌مان را عمل بکنیم، تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. کشته بشویم، تکلیف را عمل کردیم، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم».[۲]

این جمله به این معنا است که: «هدف انجام تکلیف است نه گرفتن نتیجه» یا به عبارتی «ما مأمور به تکلیف هستیم؛ نه نتیجه» اما تلاش برای کسب نتیجه و هدفمند بودن تلاش هم جزیی از تکلیف است.

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز می‌فرماید: «حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب بر طبق تکلیف عمل کند، و برخلاف تکلیف عمل نکند. ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد، و الّا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود، دنبال نتایج بودند، مگر می‌شود گفت ما دنبال نتیجه نیستیم».[۳]

٤) تکلیف‌گرایی تکریم انسان است

برخی مطرح کرده‌اند، که: «تکلیف‌گرایی تحقیر انسان و عامل سلب آزادی وی است و انسان را از مرتبه‌ی حق‌محوری به مرتبه‌ی عبد و فرمانبر بودن تنزل می‌دهد، می‌گویند زبان دین زبان تکلیف است و انسان را مکلف می‌دانند؛ درحالی‌که، زبان بشر مدرن حق‌طلبی و ارباب بودن است نه عبد بودن».[۴] این برداشت ناشی از عدم درک صحیح از دین و تکلیف‌گرایی و مبانی آن است. در این باره نکات زیر قابل توجه است:

۴/۱ـ تقدم هدایت بر تکلیف

خداوند حکیم با ارسال پیامبران و نازل کردن کتاب آسمانی، انسانِ مختار و دارای قدرت تعقل را خطاب قرار داده، او را به صراط مستقیم، که تأمین‌کننده‌ی سعادت دنیوی و رستگاری ابدی است، فرا می‌خواند. هرگاه انسان با خردمندی و اراده‌ی خویش این دعوت را پذیرفت و هدایت و ولایت الهی را برگزید و ایمان آورد، با ابلاغ تکالیف، چگونگی حرکت در صراط مستقیم را برای او مشخّص می‌کند.

قرآن می‌فرماید: «**ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ** ـ آن‌چه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آن‌چه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!».(حشر/۷)

۴/۲ـ تلازم حق و تکلیف

حق و تکلیف متلازم یکدیگر، و دو روی یک سکه‌اند، و در همه‌ی زمان‌ها و مکتب‌ها تنها راه تأمین حقوق همگانی از راه قوانین و تکالیف است، و به حکم عقل و تجربه تمام مکتب‌ها ـ اعم از الهی و مادی ـ قبول دارند، زندگی فردی و اجتماعی انسان نیازمند قانون و برنامه است.

۴/۳ـ تکالیف الطاف الهی است

تکالیف و باید و نبایدهای فقهی و اخلاقی بزرگ‌ترین لطف و عنایت الهی به مؤمنان و در مسیر استیفای حق آن‌ها و تمام‌کننده‌ی حجّت الهی بر بندگانِ معتقد به ولایت تشریعی خداوند است. این فرمان‌برداری از غیر خدا و حاکمیت‌های بشری است که توهین و تحقیر به انسان است که خداوند او را آزاد آفریده است:

مولای متقیان می‌فرماید: «برده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است».[۵]

در حدیث قدسی آمده است: «بنده به چیزی محبوب‌تر از آن‌چه بر او واجب کرده‌ام، به من تقرب نمی‌جوید، و به وسیله‌ی نافله (مستحبات) [هم] به من تقرب پیدا می‌کند، تا آن‌جا که من او را دوست می‌دارم، و هنگامی‌که او را دوست داشتم، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و زبان او می‌شوم که با آن صحبت می‌کند، و دست او که با آن (چیزی را) می‌گیرد. اگر مرا بخواند اجابتش می‌کنم، و اگر از من چیزی بخواهد به او عطا می‌نمایم».[۶]

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده‌اند: «تمام تکالیف الهیه، الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است، همه‌اش الطاف است، چه تکالیف فردی که برای هر فردی هست برای تربیت او، برای تکمیل او، برای این‌که غیر از این راه، راه تکمیل و راه ترقی نبوده است، درجاتی هست که بدون این راه نمی‌شود به آن درجات رسید. چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم، در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع».[۷]

۵) آثار تکلیف‌گرایی

تکلیف‌گرایی آثار و نتایج فراوانی دارد که به دو نمونه اشاره می‌شود.

۵/۱ـ آزادی و حریت حقیقی و انسانی

آزادی عقلانی و انسانی، که از برجسته‌ترین امتیازها و ویژگی‌های انسان است، پیوسته از ناحیه‌ی دو دشمن تهدید می‌شود:

یکی دشمن داخلی، یعنی هواهای نفسانی و امیال و غرایز حیوانی که می‌خواهند انسان و قوه‌ی عاقله او را به استخدام خود درآورند و او را اسیر امیال خویش سازند.

و دیگری شیاطین و دشمنان بیرونی، که می‌کوشند با سلطه و استثمار انسان‌ها حاکمیت و فرمانروایی باطل خود را بر او تحمیل کنند.[۸]

قرآن یکی از کارکردهای دین اسلام را رهایی از همه‌ی غل و زنجیرهایی می‌داند که مانع حرکت انسان به سوی کمال می‌شوند:

«**وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيهِمْ** ـ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن بوده (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد».(اعراف/۱۵۷).

۵/۲ـ بصیرت و روشن‌بینی

مؤمن خدامحور و عبد مطیع و تکلیف‌گرا در برخورد با خط‌بازی‌ها و جریان‌های انحرافی و منافقان فریبکار، منفعل و مغلوب نمی‌شود و با عنایت و هدایت الهی ماهیت آنان را به خوبی می‌بیند و می‌شناسد و با بصیرت تصمیم می‌گیرد:

«**يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا** ـ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما (نورانیت درون) وسیله‌ی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد».(انفال/۲۹).

۶) برخی راهکارهای تقویت‌کننده‌ی تکلیف‌گرایی

۶/۱ـ ایمان قلبی

مؤمنی که به این حقیقت رسیده است که یگانه راه رسیدن به تعالی انسانی و مقصد نهایی آفرینش فرمان‌برداری و بندگی خداست، هم انگیزه و قدرت تحمل تکالیف سخت و آسان را پیدا می‌کند، و هم نیروی مقاومت در برابر موانع دشمنان داخلی (هواهای نفسانی و طغیانگری غرایز) و خارجی (فشارها و تطمیع‌ها و تحکم‌ها) را دارد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «دل، پادشاه است و سپاهیانی دارد، پادشاه که خوب باشد، سپاهیانش هم خوبند؛ ولی پادشاه که فاسد باشد، سپاهیانش هم فاسد می‌شوند».[۹]

۶/۲ـ انس با قرآن و تدبر در آیات آن

هر مقدار تدبّر در آیات قرآن عمیق‌تر گردد، روح و جان آدمی نورانیت و صفا و آمادگی بیشتری می‌یابد.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «هم‌چنان که آهن زنگ می‌زند، این قلب‌ها هم زنگار می‌گیرد. سؤال شد: ای رسول خدا! پاک‌کننده‌ی قلوب چیست؟ حضرت فرمود: تلاوت قرآن».[۱۰]

۶/۳ـ محبت الهی

انسان، هرکس و هرچه را دوست داشته باشد، می‌کوشد که به سوی آن حرکت کند و انسان عاشق، تنها وصال و خشنودی معشوق را دنبال می‌کند نه چیز دیگری را.

«**قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يحْبِبْكُمُ اللَّهُ** ـ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا نیز شما را دوست بدارد».(**آل‌عمران/۳۱**)

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «نشانه‌ی محب این است که محبوب خود را بر هر چه غیر اوست ترجیح می‌دهد».[۱۱]

۶/۴ـ همراهی و هم‌نشینی با بندگان سالک راه هدایت

قرآن با توجه به نقش فوق‌العاده همنشین، به دوری از غافلان امر کرده و می‌فرماید: «**فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَ لَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَياةَ الدُّنْيا** ـ از کسی‌که از یاد ما رو گردانده و جز زندگی دنیا را نخواسته، اعراض کن».(نجم/۲۹)

همچنین سفارش می‌کند که نفس خود را به هم‌نشینی با خداجویان وادار کند و بر این امر صبر و استقامت داشته باشد:

«**وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعَشِي يرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَينَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ لَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطاً** ـ با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و شام می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند، و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برمگیر و، از کسانی‌که قلب‌شان را از یادمان غافل ساختیم و از هوای نفس پیروی کردند، و کارشان افراطی است، اطاعت مکن».(کهف/۲۸)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «انسان بر دین دوست خود است؛ پس هر کدام از شما باید بنگرد که با چه کسی دوست می‌شود».[۱۲]

۶/۵ـ نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر

احساس مسئولیت و آمر به معروف و ناهی از منکر بودن نه تنها دیگران را به تکلیف‌گرایی و عمل به وظایف تشویق می‌کند، بلکه خود آمر و ناهی را در التزام به تکلیف‌ها و آنچه دیگران را به آن دعوت می‌کند ثابت قدم می‌کند.

علی علیه‌السلام در وصایای خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «امر به معروف کن تا از اهل معروف شوی و منکر را به دست و زبانت نهی کن و با تلاش خود از کسی‌که منکر را انجام می‌دهد، خود را جدا ساز».[۱۳]

۶/۶ـ تکلیف‌شناسی صحیح و به موقع

قبل از عمل باید حکم و مطالبه‌ی شرعی شناخته شود، به‌ویژه که تغییر موقعیت‌ها و اقتضائات زمانی و مکانی تکالیف فردی و اجتماعی را متفاوت می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عالم زمان‌شناس دچار شبهه و شک نمی‌شود».[۱۴]

امام‌خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز می‌فرماید:

«آنچه مهم است، این است که انسان وظیفه‌ی خودش را در هر برهه‌ای از زمان تشیخص بدهد. اگر وظیفه تشخیص داده نشد، علم و تقوا و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد، یعنی بجا مصرف نمی‌شود. اگر علم داشته باشیم، تقوا هم داشته باشیم، حتی شجاعت هم داشته باشیم، اما ندانیم وظیفه‌ی ما چیست، ندانیم موقعیت کدام است، ندانیم امروز مطالبه‌ی خدای متعال و مطالبه‌ی دین از ما در عرصه‌ی اجتماع چیست، آن علم و تقوا و شجاعت و بقیه‌ی خصوصیات مثبت اثر خودش را نمی‌بخشد و کارکرد لازم را نخواهد داشت».[۱۵]

۶/۷ـ یادآوری:

تغییر وضعیت و اقتضائات زمانی و مکانی و موقعیت‌های متفاوت، تکلیف‌های خاص و متفاوتی را ایجاب می‌کند، همین‌طور افراد به لحاظ مسئولیت‌های اجتماعی و سازمانی افزون بر تکلیف‌های عمومی، تکلیف‌های ویژه‌ای نیز دارند که باید آن‌ها را به خوبی بشناسند و ملتزم به رعایت آن باشند.

مقدمه عمل به تکلیف شناخت آن است مادامی که شناخت به تکلیف حاصل نشود عمل به آن هم یافت نمی‌شود مؤمن در مرحله اول باید در شناخت به تکلیف دغدغه داشته باشد و با شناخت درست تکالیف الهی و عمل به آنها رشد می‌کند و به خداوند نزدیک می‌شود.

در مرحله ابتدایی راه‌های شناخت تکلیف در جامعه اسلامی سخت نیست انسان مومن:

در امور شناختی و معرفتی باید خود تحقیق نماید.

و در امور فقهی از مرجع تقلید خود تبعیت نماید.

و در امور سیاسی تابع ولی فقیه و پیرو نظرات او باشد.

و در مسائل سازمانی از مافوق خود، قوانین و آیین‌نامه‌ها تبعیت نماید.

البته در تزاحم بین تکلیف فردی با یکدیگر، آنچه روشن و بدیهی است تقدم واجبات بر مستحبات است.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند:

«**إِذَا أَضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضُوهَا** ـ اگر مستحب‌ها به واجب‌ها زیان رساند، مستحب‌ها را واگذارید».[۱۶]

در تشخیص تکلیف باید دقیق بود تا انتخاب درست را انجام داد. روایت زیر یکی از مصادیق تزاحم بین تکالیف فردی و خانوادگی را بیان می‌کند:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «**جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنِ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا** ـ در پیشگاه خداوند متعال نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است».[۱۷]

این روایت نیز به مصادیق تزاحم بین تکالیف خانوادگی و سازمانی اشاره نموده است.

«**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذا كانُوا مَعَهُ عَلى أَمْرٍ جامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولئِكَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ** ـ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمّی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، به‌راستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهمّ خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده، و برای‌شان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.»(نور/۶۲)

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج۲۲، ص ۱۳۱

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۰۷، ۵۹/۷/۸

۳. ۹۲/۵/۶

۴. ر.ک. عبدالکریم سروش، «معنا و مفهوم سکولاریزم»، ماهنامة کیان، س۵، ش ۲۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، ص ۴-۱۳.

۵. نهج‌البلاغه؛ نامه ۳۱

۶. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص۷۴

۷. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۵۶

۸. آزادی‌ای که اسلام مطرح می‌کند با آزادی در مکتب‌های دیگر تفاوت‌هایی اساسی دارد، مثل اینکه اسلام آزادی حقیقی را به آزادی عقلانی و حقیقت انسانی می‌داند نه آزادی هواها و امیال حیوانی (آزادی انسانی به جای آزادی حیوانی)؛ ثانیاً، تنها قانون تأمین‌کنندة آزادی انسانی را قوانین و احکام الهی می‌داند، نه قوانین ناقص بشری، که با فطرت و آفرینش انسان‌ها هماهنگ نیست. اسلام، انسان را مسخر هیچ انسان دیگری نمی‌داند.

۹. ابوالقاسم پاینده، نهج‌الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ص ۶۰۲.

۱۰. محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمة، همان، ج ۸، ص ۸۱.

۱۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۲.

۱۲. میرزاحسین نوری طبرسی، مستدرک الوسایل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۲۸.

۱۳. همان، نامة ۳۱، بند ۱۵.

۱۴. محمدبن‌یعقوب الکلینی، الکافی، همان، ج ۱، ص ۲۷.

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۶/۱۶.

۱۶. نهج البلاغة (للصبحی صالح) ص ۵۲۵ ـ حکمت ۲۸۵

۱۷. مجموعة ورام ج۲ ص ۱۲۲